

بازتاب شرایط جنگ سرد در رمان پاورقی «من جاسوس شوروی در ایران بودم»

دکتر عبدالرسول شاکری^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲۳

چکیده

جنگ سرد از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ م آغاز شد و تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه نود ادامه داشت. در مورد ایران نیز بحران آذربایجان رابطه ایران و آمریکا را وارد مرحله تازه‌ای کرد، به گونه‌ای که اهمیت استراتژیک ایران به عنوان بخشی از کشورهای «حلقه شمالی» برای ایالات متحده به اثبات رسید. از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ چهار گفتمان اصلی در ایران وجود داشت: پادشاهی، مارکسیستی، اسلامی، و ملیت‌گرایی. در این دوره مطبوعات از آزادی فراوانی برخوردار بودند و رمان پاورقی فارسی نیز پر رونق بود. در این مقاله، براساس رویکرد تحلیل‌گفتمانی لاکلاو و موفه، رمانی از هفته‌نامه تهران مصور، با عنوان من جاسوس شوروی در ایران بودم بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد گفتمان مفصل‌بندی شده در این رمان با گفتمان پادشاهی همسانی کامل دارد. روایت راوی آشکارا به بُعدهای گفتمان شوروی یعنی رفاه و عدالت و آزادی حمله می‌کند و این سه را در جریان روایت چنان دال‌های شناوری در نظر می‌گیرد تا در گفتمان خود مفصل‌بندی کند. بُعد دیگر این گفتمان، یعنی انترناسیونالیسم، که در تضاد آشکار با ناسیونالیسم راوی است، نیز در این رمان کاملاً انکار می‌شود. در نتیجه این رمان در قالب شرایط جنگ سرد و تأثیر آن بر ایران آن سال‌ها قابل تحلیل است.

واژگان کلیدی: رمان پاورقی، من جاسوس شوروی در ایران بودم، تحلیل گفتمان، لاکلاو و موفه

۱. استادیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، تهران، ایران
* shakerirasoul@gmail.com